

28 مرداد

ادامه فاجعه در اشکال نو

جدل بر سر 28 مرداد، برای تکرار 28 مرداد،

از ویژگی های جنگ روانی بود که

بلافاصله پس از انقلاب 57 آغاز شد

ف.م. جوانشیر

با تاریخ معاصر نهضت ها و جنبش ها، از جمله جنبش کارگران و زحمتکشان ایران همان رفته است که با تاریخ همه نهضت های خلقی و قیام های زحمتکشان و ستم دیدگان ایران، از جنبش مزدکی تا به امروز. خداوندان زر و زور هربار که به ضرب شمشیر و تازیانه و تزویر بر این جنبش ها پیروز شده اند مشتی کاتب دیوان خود فروخته "فتح نامه" نوشته اند و تاریخ را به سود ستم گران پیروز تحریف کرده اند. همان ها چهره ستم دیدگان به پاخاسته تاریخ ساز را با دروغ و بهتان آلوده اند. در این تاریخ تحریف شده پردروغ قاتلش دیوانان "عادل" لقب دارند و کوتوله های ناقص الخلقه تاریخ "آریامهر" ولی مزدک ها، ارانی ها، و روزه ها به هزار عیب و علت متهم اند.

تفاوتی که در این مساله، امروز با دیروز وجود دارد این است که امروز تحریف تاریخ جنبش های انقلابی منظم تر و طبق نقشه دقیق تری انجام می گیرد. ده ها دانشگاه و موسسه به اصطلاح علمی با هزاران کارمند و با دستگاه عظیم تبلیغاتی و رسانه های گروهی ماموریت دارند تا جنبش های انقلابی و به ویژه جنبش کارگری و کمونیستی را بکوبند، گذشته آن را سیاه و آینده آن را بی دورنما معرفی نمایند.

از فردای 28 مرداد ده ها "مورخ" ریز و درشت به تحریف حقایق آن پرداخته و از دیدگاه دشمنان نهضت تاریخ را "بررسی" کرده اند و درباره یکی از گره های اصلی آن یعنی جنبش ملی شدن نفت و پایان غم انگیز آن صدها "تحلیل" به دست داده اند. این تلاش خستگی ناپذیر و پی گیر برای تحریف تاریخ جنبش، جزئی است از همان کودتای 28 مرداد و ادامه مستقیم این کودتا است. سازمان های جاسوسی امپریالیستی که این کودتای جنایت بار را به ثمر رسانیدند به درستی می دانستند که تا وقتی اندیشه های انقلابی و روح پیکارجویی در مردم زنده باشد، پیروزی آنان موقتی است، باید روح مردم را شکست و توده ها را نسبت به راهی که رفته اند دچار تردید و بدبینی ساخت. باید آنچه را که می تواند مایه پیروزی آینده باشد معیوب و مشکوک جلوه گرساخت و بی راهه ها را شاهراه.

طی همه سالهائی که از کودتا می گذرد، دهها جلد کتاب و جزوه به زبان فارسی در ارتباط به دوران ملی شدن نفت نوشته شده و یا به فارسی ترجمه شده است. به علاوه در اکثر مقاله های روزنامه های فارسی زبان - چه در خارج و چه در داخل کشور معمولاً به مسایل جنبش ملی شدن اشاره می کنند. اکثریت قریب به اتفاق این نوشته ها و این اشاره ها تکراری و از موضع بورژوازی وابسته و سازمان های سیاسی ضد توده ای است. در برخی از این کتاب ها بحث های فنی درباره مذاکرات مربوط به پیشنهادهای مختلف انحصارات نفتی در طول حکومت مصدق مطرح شده که این جا و آن جا قابل استفاده است. ولی هربار که نویسندگان به بحث پیرامون مسایل سیاسی و مناسبات نیروهای سیاسی پرداخته اند از حقیقت دوره شده و دشمنی با جنبش کارگری ایران و جنبش جهان کمونیستی را به جای واقعیت خارج گذاشته اند.

کافی است یادآوری کنیم که فرمانداری نظامی کودتای 28 مرداد؛ زیر نظر تیموربختیار و سپس ساواک شاهنشاهی نخستین "آکادمی های علوم اجتماعی" بودند که "بررسی" - بخوان تحریف! - تاریخ حزب توده ایران را در پیوند با جنبش ملی شدن نفت آغاز کردند و

"اشتباهات" و "خیانت های" حزب توده ایران را برشمردند. اینان نه تنها آغازگران و پیش کسوتان تحریف این تاریخ، بلکه فعال ترین بخش آن بودند. درسالهای پس از کودتای 28 مرداد از جانب اینان به طور غیرمستقیم ده ها جلد کتاب و جزوه و هزاران مقاله و به طور مستقیم و رسمی لااقل سه جلد کتاب قطور و یک دوره مجلد درباره تاریخ حزب توده ایران منتشر شده است¹. فرمانداری نظامی بختیار و ساواک در باره هیچ سازمان سیاسی دیگری چنین وظیفه ای برعهده نگرفته و برای هیچ سازمان دیگری تاریخ ننوشته اند.

طبیعی است که قصد مامورین رژیم کودتا بررسی تاریخ جنبش رهایی بخش مردم ایران و نقش واقعی حزب توده ایران در این جنبش نبوده است. آنان برای پنهان کردن دست های خون آلود جنایت کاران کودتا گر و به قصد منحرف کردن و متوجه نمودن نفرت و کینه خلق از این جنایت کاران به سوی نیرو های راستین انقلاب و ایجاد و تقویت یاس در توده ها و سلب اعتماد آنان، گام به میدان "تاریخ نویسی" نهادند. نتیجه "بررسی" های آنان - همانند آرای داد گاه های نظامی شاه - از پیش تعیین شده و به هدف مورد نظر خدمت کرد.

بلا فاصله پس از شکست 28 مرداد دژخیمان دربار پهلوی و "سیا" - زمانی که مبارزان توده ای را گروه گروه به زندان کشیده، شکنجه کرده و به جوخه اعدام می سپردند - با این روح "تاریخ" می نوشتند که جنایات خود را در افکار عمومی توجیه کنند. در این زمان حزب توده ایران سازمان مخوف و پر قدرتی مجسم می شد که کم مانده بود ایران را پشت "پرده آهنین" ببرد، ولی کودتا رسید و ایران "نجات" یافت.

در این زمان دژخیمان کودتاچی حزب ما را به اتهام "قیام علیه سلطنت مشروطه"، "تلاش برای استقرار جمهوری دموکراتیک"، "تدارک قیام مسلحانه"، "نقض انضباط ارتش و ایجاد سازمان نظامی"، "ساختن و انبار کردن اسلحه" و هزار "جرم" نابخشوندی دیگر می کویدند و چنان است که، هدفی جز استقرار بلاواسطه سوسیالیسم در ایران ندارد... چهره ای که در این زمان از حزب ما ترسیم می شد، چهره سازمان توطئه گری بود که گویا کارهای وسیع توده ای آن فقط برای فریب ساده لوحان است و در پشت پرده مقاصد دیگری دنبال می شود.

چند سال بعد، زمانی که کودتاچیان موفق شدند جنبش انقلابی زحمتکشان ایران و به ویژه پیشاهنگ آن حزب توده ایران را با خون و تازیانه سرکوب کرده و کشور ما را به گورستان بدل سازند، لحن و جهت نوشته های ضد انقلابی عمال پنهان و آشکار ساواک 180 درجه تغییر کرد. انواع گروهک های خرابکار پدید آمدند که ادعا کردند، حزب توده ایران "هرگز به فکر قیام مسلحانه نبود"، "همواره از اسلحه می ترسید"، "مدافع سلطنت مشروطه بود"، "با قدرت حاکم هر چه باشد می ساخت"، "به رویونیسم تاریخی دچار بود"، "هرگز حزب طبقه کارگر نبود" و ...

بسیاری از این گروه ها ریشه هایشان به محافل ضد انقلابی ایران و سازمان های خرابکار امپریالیستی باز می گشت. نمونه های فراوانی از پیوند مستقیم این گونه گروه های ضد توده ای با ساواک و سیا وجود دارد. اما مهم تر از این رابطه مستقیم، رابطه عمیق روحی است که میان آنان برقرار است. این گروهک ها در آنچه مربوط به تاریخ جنبش انقلابی ایران است:

اولاً، از سفره ضد کمونیستی که ساواک گسترده تغذیه می کردند (و می کنند)، از محیط یاس و بد بینی حاصل از شکست و جو ضد کمونیستی که ساواک به وجود آورد مایه می گرفتند و اکثر استدلال های ساواک بود (و هست).

¹ - سرکمونیسم در ایران، از شهریور 1320 تا فروردین، تهران، 1336. کتاب سیاه درباره سازمان افسران توده، با مقدمه تیموربختیار، تهران، 1334. کمونیسم در ایران یا تاریخ مختصر کمونیست ها در ایران منتسب به سرهنگ علی زیبایی (جنایت کار معروف ساواک)، تهران 1344 و مجله عبرت.

ثانیا"، هدف آنان عین ساواک: سرکوب جنبش انقلابی، لجن مال کردن تاریخ آن، افشاندن بذر یاس و بی اعتمادی و جلو گیری از رشد جنبش کمونیستی بود. فعالیت خرابکارانه این گروه ها برای لجن مال کردن تاریخ جنبش انقلابی ایران و تاریخ حزب توده ای ما جزء مهمی از جنگ روانی ضد کمونیستی محافل امپریالیستی را تشکیل می داد .

ثالثاً"، شیوه بررسی " مورخین " وابسته به این گروه ها عیناً" منطبق است بر شیوه ساواک: ذهن گرا، غرض ورز و کینه توز، پرونده ساز، تعیین نتیجه قبل از " بررسی" و یافتن " سند " برای اثبات نتیجه از قبل اعلام شده و ...

این گروه ها بسته به نظریه های از پیش ساخته ظاهراً" متفاوتی که عرضه می کردند، از تاریخ جنبش نتایج ظاهراً" متفاوتی می گرفتند. آن که مامور تبلیغ " محاصره شهر از روستا " بود ادعا می کرد که عیب حزب توده ایران بود که شهرها را از طریق روستا محاصره نکرد، و آن که می کوشید جوانان را وادار کند جهان را از لوله تفنگ ببینند علت شکست را در این شناخت که حزب توده ایران از این لوله به جهان ننگریست .

ولی در واقع امر میان این گروه ها از نظر برداشتی که از تاریخ جنبش انقلابی ایران دارند تفاوتی نبود. هیچ یک از آنان کاری جز لجن مال کردن این تاریخ نداشته است. هیچ کدام حتی یک صفحه که بوی جدی بودن بدهد و یا ساعتی زحمت پژوهش علمی در پشت سر داشته باشد و چند صباحی دوام بیاورد منتشر نکرده است.

جنبش ملی شدن نفت ایران، جنبش یکسره توده ای نیست. جنبشی است که قشرهای وسیعی از طبقات مختلف مردم زیر رهبری سازمان ها و جریان های فکری و سیاسی گوناگون، در آن شرکت کرده اند. خلاصه کردن تاریخ این جنبش در تاریخ حزب توده ایران به هیچ وجه پایه علمی و واقعی ندارد. این جنبش را با همه بزرگی و اهمیت آن باید شناخت و آن را از زیر آوار کودتای 28 مرداد بیرون کشید. باید اجزای گوناگون شرکت کننده در جنبش را هم شناخت و معرفی کرد. در جریان مبارزه عظیم برای ملی شدن نفت، طبقات و قشرهای گوناگون جامعه ایران هدف ها، سیاست ها، مشی ها و شیوه های مبارزه ای را که پیشنهاد می کنند و قادر به از پیش بردن آنها اند ارئه داده و به محک تجربه زدند. باید دید این مشی ها چه بوده و در عمل چه نتایجی به بار آورده است. چنین بررسی همه جانبه ای بسیار ضروری است. توشه ای است از گذشته برای آینده.

متأسفانه غیر از حزب توده ایران هیچ یک از احزاب و سازمان های شرکت کننده در جنبش ملی شدن نفت، بررسی آن را جدی نگرفت. بسیاری از این سازمان ها و احزاب که برای انجام وظایف ویژه ای مانند قارچ در همان لحظه روییده بودند پس از شکست موقت جنبش از میان رفتند، طبیعی است که علاقه ای هم به بررسی واقعی گذشته نداشتند. در جنبش ملی شدن نفت جبهه ملی ایران نقش بسیار موثری داشت. این جبهه پس از 28 مرداد از هم پاشید و آن بخش از سازمان ها و دقیق تر بگوییم، افراد و عناصری نیز که کوشیدند موجودیت "جبهه ملی" را حفظ کنند به هیچ رو خود را در کشف حقایق تاریخی گذشته ذینفع ندانستند. بسیاری کسانی که از نام مصدق برای خود سرمایه سیاسی می سازند، اما هنوز حتی یک نفر از آنان نکوشیده است تاریخ جنبش را بررسی کند و جوانب مثبت و منفی کار جبهه ملی را روشن سازد. غباری به نام "راه مصدق" بالای سر آنان پرتاب می زند که مطلقاً" گنگ و آشفته است. هیچ کدام از آنان نیز تمایلی احساس نمی کند که این گنگی را از میان بردارد و صاف و روشن بیان کند که راه مصدق کدام است.

درسال های پس از 28 مرداد کسانی که خود را عضو جبهه ملی و ادامه دهنده راه مصدق معرفی می کردند دو بار در اروپا کنگره تشکیل دادند. جبهه ملی دوم و سوم پدید آوردند. اعلامیه های پرزرق و برق دادند ولی درباره گذشته جنبش و مشی جناح های گوناگون جبهه ملی در زمان ملی شدن نفت مطلقاً" سکوت کردند و ضمن خودستایی

پرطمطراق دور از فروتنی درعین حال که خود را همه کاره جنبش اعلام می کردند مسئولیت شکست را طبق روش ساواک به گردن حزب توده ایران انداختند.

حزب ایران که در سال های ملی شدن نفت از مهم ترین سازمان های ترکیب کننده جبهه ملی ایران بود دو جزوه به نام های «برای آگاهی نسل جوان» و «تاریخچه جبهه ملی ایران» منتشر کرد که به بررسی بخشی از تاریخ جنبش ملی شدن نفت اختصاص دارد. ولی بیش از آن که به روشن شدن تاری گذشته کمک کند، سرعت درجه تنزل اخلاقی و سیاسی این سازمان در حال فروپاشی را برملا می کند. در این دو کتاب محض نمونه هم شده یک سند، یک اندیشه، و یا حتی یک اشاره که تازگی داشته و از انتشارات ساواک منشا نگرفته باشد وجود ندارد. جز این که جزوه های حزب ایران ناقص تر و مبتذل ترند.

از رهبران سابق جبهه ملی تنها برخی خاطرات پراکنده، اظهارنظرهای گسیخته و در مواردی دفاعیات در دادگاه باقی است. این سند حوادث معینی را روشن می کنند و طرز تفکر و برداشت نویسنده و جناحی را که وی نماینده آن است بیان می دارند که به جای خود قابل استفاده اند و ما از آن بهره گرفته ایم.

برخی از افراد وابسته به گروه های "چپ نو" و چریکی نیز مطالبی درباره تاریخ دوران ملی شدن نفت ایران نوشته اند. از آن جمله است: "تاریخ سی ساله ایران" نوشته بیژن جزنی و "28 مرداد و حزب توده" نوشته حسن ضیاء ظریفی. نویسندگان این گونه جزوه ها متأسفانه امکان بررسی مستقل و عمیق نداشته اند. کارمایه آنان نوشته ها و اظهارات دیگران است که در زندان و آزادی شنیده و خوانده اند ولی امکان و فرصت تحقیق درصحت و سقم آن ها را نداشته اند. قضاوت های آنان نیز خواه ناخواه توأم با پیش داوری و برای اثبات نظرات پیش پذیرفته ای است. لذا نوشته های آنان در هیچ موردی سندیت ندارد.

پس از پیروزی انقلاب 57 محافل ضدکمونیستی با حرارتی دوچندان جنگ روانی ضد توده ای را آغاز کردند و برای پیش برد مقاصد خویش طبق معمول به تحریف تاریخ جنبش روی آوردند. در همان یک سال اول انقلاب ده ها کتاب و جزوه و صدها مقاله انتشار یافت که متأسفانه حتی یکی از آن ها نیز حاصل پژوهش مستقل و عمیق نیست. تکراری است با کمی تغییر شکل از پرونده سازی های ساواک. این گونه نویسندگان که بر سرسفره ساواک نشستند و از غذاهای مسموم آن تغذیه می کنند، بسیاری از ادعاهای ساواک، سیا را به عنوان امر مسلمی که نیازی به اثبات ندارد از صبح تا شب تکرار می کنند، با این هدف که از طریق تحریف تاریخ جنبش، هرگونه اتحاد حزب توده ایران و جنبش اسلامی زحمتکشان را امکان ناپذیر اعلام نمایند و مشی کنونی حزب توده ایران را فرصت طلبانه و سطحی جلوه دهند. تا شاید **فاجعه 28 مرداد** را در **شکل نو** تکرار کنند.

جدل بر سر 28 مرداد برای تکرار 28 مرداد از ویژگی های جنگ روانی لحظه کنونی است.

در برابر تمام این انحراف ها و این موج بزرگ جهانی روانی بهترین پاسخ نشان دادن واقعیت است. مردم ایران باید تاریخ کشور و به ویژه تاریخ معاصر را که این چنین طبق نقشه و سازمان یافته تحریف می شود از نو بدانند و واقعیت ها چنان که هست باید نشان داده شود تا مردم بتوانند از گذشته بیاموزند و از تکرار 28 مردادها جلو گیرند.

حزب توده ایران تنها سازمان سیاسی است که با احساس مسئولیت در راه کشف واقعیت های تاریخ معاصر ایران کوشیده و می کوشد. حزب توده ایران نفعی در تحریف تاریخ ندارد. ما می خواهیم پیروز شویم و قطعاً "پیروز خواهیم شد. شرط پیروزی نیز دیدن واقعیت ها، کشف اشتباهات و دریافت جنبه های مثبت و منفی مبارزه است. حزب ما تنها حزبی است که گذشته خود را مورد بررسی دقیق قرار داده و هربار برای اصلاح مسیر، تصمیمات مشخص سیاسی - تشکیلاتی گرفته و اجرا کرده است. پلنوم های کمیته مرکزی حزب توده ایران در اتخاذ تصمیمات معتبر و رسمی نقش اساسی ایفا کرده اند. به علاوه در نشریات

حزب از جمله در مجله دنیا نشریه تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب تاکنون نوشته ها و تحقیقات علمی فراوانی درباره گذشته حزب و جنبش منتشر شده است.

بررسی های شادروان رفیق عبدالصمد کامبخش درباره تاریخ حزب که تحت عنوان شمه ای درباره تاریخ جنبش کارگری ایران (سوسیال دموکراسی انقلابی، حزب کمونیست ایران، حزب توده ایران) جداگانه نیز منتشر شده برجسته ترین نمونه این گونه نوشته ها و تجلی وجدان علمی مبارزان توده ای است.

کتاب تجربه 28 مرداد به یکی از پرمآثرترین دوره های تاریخ معاصر ایران که بیش از همه تحریف شده و می شود یعنی جنبش ملی شدن نفت ایران و دوره حکومت ملی مصدق اختصاص دارد. انتظار نیست که نتیجه گیری های آن به یکسان مورد پذیرش خوانندگان باشد. اما ادعا می کنیم که هیچ کس نمی تواند در صحت اسناد و مدارکی که در این کتاب ارائه شده و منطق سالمی که در تحلیل این اسناد به کار رفته تردید کند.

یکی از اساسی ترین راه های تحریف تاریخ جنبش کاربرد شیوه نادرست و غیر علمی در جمع آوری اسناد است. کار محافل ضدانقلابی در این زمینه عبارت از جمع آوری اسناد نیست بلکه جدا کردن "شبه اسناد" و پرونده سازی است. اگر به نوشته های این محافل بنگریم خواهیم دید که آنان تقریباً هرگز به اسناد رسمی حزب توده ایران و عمل کردهای مشخص حزب ما استناد نمی کنند. آن ها از میان انبوه انتشارات و مطبوعات حزبی جمله هایی را که ناموفق بوده و گاه نقطه مقابل اسناد رسمی حزبی و عمل کرد حزب است گرد می آورند. نمونه های مشخصی وجود دارد که نشان می دهد آنان نوشته های کسانی را که حزب ده ها سال پیش از صفوف خود رانده، هنوز هم به حساب حزب توده ایران می گذارند. نمونه هایی وجود دارد حاکی از این که یک جمله ناموفق و یا حتی اشتباه چاپی مدت 20 سال تمام در همه انتشارات ضدانقلابی به عنوان سند علیه حزب ما مورد استفاده قرار گرفته و تمام اسناد رسمی حزبی و اقدامات مشخص عملی حزب در همان مورد، که صدها برابر بیشتر و معتبرتر است، نادیده گرفته شده است. درحالی که این یا آن جمله در نوشته یک رفیق حزبی که با اسناد رسمی و عمل حزب تطبیق نکند در بدترین حالت نشانه وجود اختلاف نظر میان آن فرد و حزب است و نه چیز دیگر و در حالت عادی می تواند دلیل عدم توجه، عدم درک سیاست حزب و یا حتی غلط چاپی باشد. جمع آوری این گونه "مدارک" و تاریخ نویسی برپایه آن چیزی نیست جز پرونده سازی.

هرکس از جایش بر می خیزد درباره روش حزب توده ایران بحث می کند اما هیچ کس به بررسی و بحث پیرامون مجموع حوادث تاریخی و نقش همه سازمان های سیاسی نمی پردازد. با این شیوه غیر علمی است که حزب توده ایران، مسئول اشتباهات شمرده می شود و سایر سازمان ها و سایر مشی ها - با تمام نادرستی آن ها - ستوده می شوند.